

# فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۲۷	خواندن		<b>کتاب پیش‌دانشگاهی</b>
۲۳۶	آزمون		<b>درس اول</b>
	<b>درس ششم</b>		گرامر ..... ۸
۲۳۹	گرامر		واژگان ..... ۲۰
۲۴۵	واژگان		خواندن ..... ۴۲
۲۶۳	خواندن		آزمون ..... ۵۴
۲۷۰	آزمون		<b>درس دوم</b>
	<b>درس هشتم</b>		گرامر ..... ۵۸
۲۷۳	گرامر		واژگان ..... ۶۶
۲۷۷	واژگان		خواندن ..... ۹۳
۲۹۶	خواندن		آزمون ..... ۱۰۴
۳۰۴	آزمون		<b>درس سوم</b>
	<b>درس هشتم</b>		گرامر ..... ۱۰۷
۳۰۷	گرامر		واژگان ..... ۱۱۶
۳۲۰	واژگان		خواندن ..... ۱۳۴
۳۳۸	خواندن		آزمون ..... ۱۴۶
۳۴۶	آزمون		<b>درس چهارم</b>
	<b>آزمون جامع پیش‌دانشگاهی ۶</b>		گرامر ..... ۱۵۰
۳۴۸			واژگان ..... ۱۶۲
	<b>کتاب زبان ۴</b>		خواندن ..... ۱۸۲
۳۵۰	مرور گرامر		آزمون ..... ۱۹۳
۳۵۴	تست‌های گرامر		<b>آزمون جامع پیش‌دانشگاهی ۱</b>
۳۵۹	آزمون گرامر سال سوم		گرامر ..... ۱۹۵
۳۶۲	تست‌های واژگان		<b>درس پنجم</b>
۳۷۴	آزمون لغت سال سوم		گرامر ..... ۱۹۸
	<b>آزمون جامع زبان (۴)</b>		واژگان ..... ۲۰۷
۳۷۷			



# LESSON



# 1

# EXERCISE AND HEALTH



## LIST OF CONTENTS فهرست

### ▶ Part A: Grammar

۸	آموزش گرامر
۱۴	پرسش‌های گرامر

### ▶ Part B: Vocabulary

۲۰	آموزش واژگان
۲۵	پرسش‌های واژگان

### ▶ Part C: Reading

۴۲	آموزش خواندن
۴۵	پرسش‌های خواندن

### ▶ Part D: Sample Test

۵۴	آزمون نمونه
----	-------------



▶ We stayed home because it was raining.

جمله

▶ We stayed home because of the rain.

اسم

۳) به عبارت just because (فقط به این خاطر که، فقط به این دلیل که) توجه فرمایید.


▶ Just because I didn't come to your party doesn't mean that I don't like you.

فقط به این خاطر که به مهمانی تو نیامدم به این معنی نیست که دوست ندارم.

۴) در پاسخ why غالباً از because استفاده می‌کنیم.

▶ "Why didn't you finish the job?" "Because I ran into some problems."

چرا کار را تمام نکردی؟ چون به مشکلاتی برخورددم.

تمرین: جملات زیر را با because به هم وصل کنید. 

1. I decided to leave the job. I didn't get paid well.
2. She hadn't eaten well for 3 days. She was very weak.

پاسخ 

1. I decided to leave the job because I didn't get paid well.
2. She was very weak because she hadn't eaten well for three days.

## 2

## whether

متن کوتاه زیر رو بخونید و به من بگید whether در اینجا چه معنا و مفهومی داره.

Sara: Come on. The film starts in 20 minutes.  
Hasti: I'm doing my best, **whether** you believe it **or** not.  
Sara: The cinema is far. We are going to be late.  
Hasti: I'm coming.  
.....5 minutes later ....  
Sara: OK. I'm going alone, **whether** you like it **or** not. Bye.<sup>1</sup>

خواه ... خواه ... / چه ... چه : معنی ۱

▶ You have to come with us whether you want it or not.

تو باید با ما بیایی چه بخواهی چه نخواهی.

▶ Whether boy or girl, all the students should take this test.

همه دانش‌آموزان چه دختر چه پسر باید در این امتحان شرکت کنند.

نکات: ۱) کلمه ربط or ... whether مفهوم شرط را می‌رساند. 

▶ Everyone should be educated whether they are rich or poor.

همه باید تحصیل کنند چه ثروتمند باشند چه فقیر (اگر ثروتمند هستند و اگر فقیر، فرقی ندارد).

۲) کلمات، عبارات یا جملاتی که پس از whether و or می‌آیند معمولاً با هم متضادند. (به مثال‌های بالا نگاه کنید.)

اما whether یک کاربرد و معنای دیگر هم دارد. متن کوتاه زیر را بخوانید.

There is something important that I want to tell my best friend, Sina. I don't know **whether** I should tell him or not. He asked me yesterday **whether** I could lend him some money. I said, "Yes", but the problem is that I don't have any money!<sup>2</sup>


آیا، که آیا : معنی ۲

▶ He asked me whether I knew her (or not).


او از من پرسید (که) آیا وی را می‌شناسم (یا نه).

▶ He wondered whether (or not) I liked him.

از خود می‌پرسید که آیا از او خوشم می‌آید.

نکات: ۱) whether در این معنی معادل if است و می‌تواند با or بیاید یا نیاید. 

۲) معمولاً قبل از whether در این معنی فعل ask یا افعال با معنی مشابه می‌آیند.

تمرین: جملات زیر را با whether بازنویسی کنید. 

1. If it is black or if it is white, it doesn't make a difference. I want to buy it.
2. "Does she like me?" I ask myself.

۱. سارا: عجله کن. فیلم بیست دقیقه دیگر شروع می‌شود. هستی: دارم تلاش می‌کنم چه باورت شود چه نه.

سارا: سینما دور است. دیرمان می‌شود. هستی: دارم می‌آیم.

سارا: باشه، من تنها می‌روم، چه خوشت بیاید چه نه. خداحافظ.

۲. موضوع مهمی است که می‌خواهم به دوست صمیمی‌ام سینا بگویم. نمی‌دانم آیا باید به او بگویم یا نه. او دیروز از من پرسید که آیا می‌توانم به او پول قرض بدهم. من گفتم بله ولی مشکل این است که من پول ندارم!



- Whether it is black or white, I want to buy it.
- I ask myself whether she likes me (or not).

**توجه:** پاسخهای صحیح دیگری هم برای این سوالات وجود دارد. با استاد محترمان مشورت کنید.

### 3

## since

کلمه ربط *since* دو معنی مختلف دارد. به نظرتون در متن زیر کدام معنی مورد نظره؟

**Since** I didn't know anyone, I went in the room silently. **Since** there was no empty chair at the back, I went to the front row. **Since** nobody knew me, they gave me strange looks.<sup>1</sup>

از آنجایی که، چون : معنی ۱

▶ Since exercise makes you stronger, it makes you feel better.

چون ورزش شما را قوی تر می کند، باعث می شود شما احساس بهتری داشته باشید.

▶ He started regular exercise at a club since he was going to lose weight.

چون قصد داشت وزنش را کم کند، شروع به ورزش منظم در باشگاه کرد.

**نکته:** *since* در این معنی مترادف *as* و *because* است و بیش تر در ابتدای جمله می آید اما کاربرد آن کمی رسمی تر (more formal) است.

اما از سالهای قبل یک کاربرد و معنی دیگر *since* را هم می شناسین:

از، از وقتی که : معنی ۲

▶ We have known each other since we were children.

از وقتی بچه بودیم همدیگر را می شناسیم.

▶ She said she had been watching TV since she arrived home.

او گفت از وقتی به خانه رسیده است، مشغول تماشای تلویزیون بوده است.

**نکته:** همان طور که در مثال ها دیدید، فعل جمله پایه در این حالت به زمان ماضی نقلی (یا ماضی بعید) است.

**توضیح ۱:** جمله ای که با کلمه ربط وابستگی (مثل *since*) شروع می شود جمله پیرو یا وابسته (subordinate clause) و جمله دیگر جمله پایه یا اصلی (main clause) نامیده می شود.

**توضیح ۲:** یادآوری فرمول ها:

(حال کامل) have / has + pp : زمان ماضی نقلی (حال کامل)

ing + فعل + have / has + been : زمان ماضی نقلی استمراری (حال کامل استمراری)

had + pp : زمان ماضی بعید (گذشته کامل)

**تمرین:** جملات زیر را با *since* به هم وصل کنید.

- I felt really tired. I went to bed early.
- He started washing his car at 8 o'clock and is still washing it.



- Since I felt really tired, I went to bed early.
- He has been washing his car since 8 o'clock.

### 4

## as

کلمه ربط *as* معانی و کاربردهای خیلی متفاوتی دارد که برخی از اونها رو قبلا هم دیدین. اما سه تا شون نسبتاً از بقیه مهمتره. متن زیر رو بخونین و مشخص کنید در هر جا معنی و مفهوم *as* چیه؟ (سه مفهوم مختلف)

**As** I'm 72 years old, it's hard for me to run. Yesterday, **as** I was walking in the street, a dog came towards me. **As** it came nearer, I became more scared. You know, I'm really afraid of dogs. So I started running. **As** I was running, I fell down and hurt myself.<sup>2</sup>

زمانی که، وقتی که : معنی ۱

▶ I saw her as I was leaving the house.

وقتی داشتم خانه را ترک می کردم او را دیدم.

▶ We listened to her as she sang.

وقتی آواز می خواند به او گوش می دادیم.

**نکات:** ۱) دو عمل همراه *as* در این معنی حتماً باید همزمان رخ داده باشند (به مثال های بالا مراجعه کنید).

۲) *just as* (به معنی درست وقتی که، دقیقاً زمانی که) برای اشاره به دو عملی که دقیقاً همزمان با هم رخ داده اند، استفاده می شود؛ مثال:

▶ Just as I was leaving, Tom arrived.

درست وقتی که داشتم می رفتم، تام از راه رسید.

۱. چون کسی را نمی شناختم، آرام وارد اتاق شدم، چون صندلی خالی در عقب نبود، به ردیف اول رفتم. چون هیچ کس مرا نمی شناخت، به طور عجیبی به من نگاه می کردند.  
۲. .. چون ۷۲ سال سن دارم، دویدن برایم سخت است. دیروز، وقتی که در خیابان راه می رفتم، سگی به سمت من آمد. هر چه نزدیک تر می آمد، من بیش تر می ترسیدم. می دانم، من واقعاً از سگ می ترسم. پس شروع به دویدن کردم. وقتی داشتم می دویدم، افتادم و صدمه دیدم (زخمی شدم).

چون، از آنجایی که : معنی ۲

- ▶ As he has helped you so much, you should thank him.
- ▶ He left the class as he wasn't feeling well.

چون او به تو خیلی کمک کرده است، باید از او تشکر کنی.  
چون حالش خوب نبود، کلاس را ترک کرد.

⚠ **نکته:** as در این جا مترادف because و since است و بیش تر در ابتدای جمله می آید.

هرچه، به همان نسبت که : معنی ۳

[این معنی به طور مفصل در بخش گرامر درس ۱ کتاب درسی بررسی نشده است ولی هم نمونه هایی در متن درس ۱ دارد و هم در سؤال ۳ تمرین ۲ صفحه ۹ کتاب درسی مورد پرسش قرار گرفته است.]

- ▶ As people get older, they become less flexible.
- ▶ You feel better about yourself as your muscles get stronger.

هرچه سن مردم بیش تر می شود، انعطاف پذیریشان کم تر می شود.

هرچه عضلاتتان قوی تر شود، احساس بهتری نسبت به خود خواهید داشت.

⚠ **نکات:** ۱) as در این معنی، کلمه ربط تناسب (proportion) است. به عبارت دیگر as در این حالت دو تغییر را که به طور همزمان و به نسبت و موازات هم رخ می دهند نشان می دهد.

۲) غالباً در این حالت در جمله **صفت تفضیلی** به کار می رود. (به کاربرد older, less, better و stronger در مثال های بالا نگاه کنید.)

📌 **تمرین:** جملات زیر را با as به هم وصل کنید.

1. He had studied hard. He got a good mark.
2. I read the book more. I liked it more.

▶ پاسخ:

1. As he had studied hard, he got a good mark.
2. As I read the book more, I liked it more.

⚠ **توضیح اضافه:** البته as معانی دیگری از جمله «همان طور که»، «به عنوان» یا «به همان اندازه» هم دارد که در کتاب درسی بررسی نشده است.

- ▶ Do as I've told you.
- ▶ He works here as a servant.
- ▶ Jim doesn't earn as much money as Tom.

همان طور که به تو گفته ام عمل کن.

او به عنوان خدمتکار این جا کار می کند.

جیم هم اندازه تام پول در نمی آورد. (فرمول as...as)

## 5

## when

کلمه ربط **when** هم که نیازی به معرفی ندارم. آشنای عام و خاصه!

زمانی که، وقتی که : معنی

- ▶ When I was running for the ball, I fell down.
- ▶ She became blind when she was 3 years old.

زمانی که داشتم دنبال توپ می دویدم، به زمین افتادم.

وقتی سه سالش بود، نابینا شد.

⚠ **نکته:** when می تواند همراه با دو عمل که همزمان یا غیر همزمان با هم رخ داده اند، به کار رود:

(a) دو عمل که غیر همزمان با هم رخ داده اند. (معمولاً دو عمل پشت سر هم)

- ▶ When I got home, I had a bath.

وقتی به خانه رسیدم، حمام کردم.

در این حالت when معادل after است.

(b) دو عمل که همزمان با هم رخ داده اند.

- ▶ She entered university when she was only 15.

وقتی فقط ۱۵ سال داشت وارد دانشگاه شد.

- ▶ When he was working with the hammer, he hurt himself.

وقتی داشت با چکش کار می کرد، به خود آسیب رساند.

⚠ کاربرد دیگر **when** : به عنوان کلمه پرسش (به معنی چه وقت، کی)

- ▶ When can I see you?
- ▶ He asked me when he could see me.

🕒 مهم ترین چیزی که باید درباره یک کلمه ربط بدانید، معانی و مفاهیم آن است.

## تفاوت when و as در معنی «وقتی که، زمانی که»<sup>۱</sup> (مطالعه‌ای اختیاری)

می‌دانید که هم when و هم as می‌توانند به معنی «زمانی که، وقتی که» باشند. چه هنگام باید از when و کی از as استفاده کنیم؟  
 (۱) اگر دو عمل موجود در جمله غیرهمزمان (مثلاً پشت سر هم) انجام شده باشند، از when استفاده می‌شود؛ (تشخیص این که غیرهمزمان رخ داده‌اند از روی معنی جمله است). مثال:

When she pressed the button, the lift stopped.

وقتی دکمه را فشار داد، آسانسور ایستاد.

When I got home, I phoned him.

وقتی به خانه رسیدم، به او تلفن زدم.

(۲) یک عمل (به‌طور زمینه‌ای) در حال انجام شدن بوده که عمل دیگری (به‌طور مقطعی) همزمان با آن رخ داده است؛ مثال:

When I was driving home, I had an accident.

عمل زمینه‌ای      عمل مقطعی

As I was driving home, I had an accident.

عمل زمینه‌ای      عمل مقطعی

I was driving home when I had an accident.

عمل زمینه‌ای      عمل مقطعی

در این مثال‌ها عمل رانندگی به سمت خانه (was driving) در زمینه در حال انجام بوده که عمل تصادف کردن (had an accident) رخ داده است. در چنین مواردی بر سر فعل زمینه‌ای (که تقریباً همیشه به زمان استمرار است) ترجیحاً as یا while و بر سر فعل مقطعی (که تقریباً همیشه به زمان ساده است) فقط when را می‌توان به کار برد.

(۳) دو عمل در طی مدتی همزمان و موازی با هم در حال انجام بوده‌اند؛ در این موارد غالباً از as استفاده می‌شود. مثال:

As we walked in the street, we looked into the shop windows.

وقتی در خیابان راه می‌رفتیم، ویتترین مغازه‌ها را نگاه می‌کردیم.

I watched her as she went away.

وقتی دور می‌شد، او را نگاه می‌کردم.

(۴) از when برای اشاره به دوره‌های زمانی در گذشته به ویژه دوره عمر یک فرد، استفاده می‌شود؛ مثال:

When I was young, I went swimming every week.

وقتی جوان بودم، هر هفته به شنا می‌رفتم.

Mary joined the national basketball team when she was 21.

ماری وقتی ۲۱ سالش بود عضو تیم ملی بسکتبال شد. (سؤال ۲ تمرین ۳ صفحه ۹ کتاب درسی)

(۵) when را می‌توان به معنی «هر وقت که، هر بار که» مترادف با whenever یا every time هم به کار برد؛ مثال:

When I see her, she doesn't say hello.

هر وقت که او را می‌بینم، سلام نمی‌کند.

She gets a headache when she eats chocolate.

هر وقت شکلات می‌خورد، سردرد می‌گیرد.

زمان افعال جمله در این حالت غالباً حال ساده یا گذشته ساده است.

(۶) دو عمل یا دو اتفاق در یک لحظه همزمان با هم رخ داده‌اند یا می‌دهند؛ مثال:

The phone rang just as I sat down.

وقتی (همین که) نشستم، تلفن زنگ زد.

در این‌جا بهتر است از just as (درست وقتی که) استفاده کرد.

تمرین ۳: جاهای خالی را با when یا as پر کنید. گاهی هر دو صحیح است.

- ..... I was crossing the street, I saw Mary.
- ..... I got home, they were having dinner.
- I got home ..... they were having dinner.
- I watched her ..... she worked.
- Turn off the light ..... you go out.
- The President was on holiday in Spain ..... he was told the news.
- He learned to drive ..... he was a little child.
- ..... I go to see her, she isn't in her office.

▶ پاسخ:

1. as, when

معنی جمله: وقتی داشتم از خیابان رد می‌شدم، ماری را دیدم.

اولاً، می‌خواهیم بگوییم «وقتی که» ← when یا as

پوترین روش برای به ذهن سپردن کلمات ربط، یاد گرفتن مثال است.

۱. این مطلب در کتاب درسی شما نیامده است اما در یکی دو تا از تمرینات آن مورد طرح سؤال قرار گرفته است. فقط اگر دانش‌آموز علاقمند و کنجکاوی هستید و حالش را دارید، آن را بخوانید.



- ثانیاً، یکی در زمینه در حال انجام بوده است (**فعل استمراری**) و دیگری مقطعی (**فعل ساده**) است و نقطه‌چین بر سر فعل استمراری آمده است. ← when و as (هر دو صحیح‌اند ولی **as بهتر است**).
2. when **معنی جمله: وقتی** به خانه رسیدم آن‌ها داشتند شام می‌خوردند.  
اولاً و ثانیاً، مثل سؤال بالا ← when یا as
3. as, when **مانند سؤال ۱** ← فقط when **معنی جمله: وقتی** کار می‌کرد، او را تماشا می‌کردم.  
ثالثاً، **یک فعل استمراری** داریم و **یک فعل ساده** ولی نقطه‌چین بر سر فعل ساده آمده است. ← when
4. as **معنی جمله: وقتی** می‌خواهیم بگوییم «وقتی که» ← when یا as  
ثانیاً، دو عمل همزمان را که در طول مدتی **موازی با هم** انجام می‌شده‌اند نشان می‌دهند. (معنی: وقتی او کار می‌کرد، او را تماشا می‌کردم.) ← as
5. as, when **(به معنی وقتی که)** **معنی جمله: وقتی** بیرون می‌روی چراغ را خاموش کن.  
اولاً، به معنی «وقتی که» نیاز داریم. ← when یا as
6. when **ثانیاً، دو عمل همزمان و لحظه‌ای هستند.** ← when یا as  
**معنی جمله: وقتی** خبر به رییس جمهور گفته شد، او در تعطیلات در اسپانیا به سر می‌برد.  
به دوره زمانی در گذشته اشاره می‌شود.
7. when **معنی جمله: وقتی** بچه کوچکی بود رانندگی را یاد گرفت.  
اولاً، به معنی «وقتی که» نیاز داریم. ← when یا as  
ثانیاً، به دوره زمانی در گذشته اشاره می‌کند. (وقتی بچه کوچکی بود.) ← when
8. When **(به معنی هر وقت که)** **معنی جمله: هر وقت** به دیدنش می‌روم، در دفترش نیست.

## جمع‌بندی

نیاز داریم به کلمه ربطی به معنی ...	کلمه ربط مورد نظر	نکات و توضیحات
۱) چون، زیرا، از آن جایی که	because, since, as	عملاً این سه مترادفند (مگر در موارد خاص که ذکر شد).
۲) چه ... چه	whether	بعد از آن or می‌آید.
۳) آیا، که آیا	whether	ممکن است با or بیاید یا نه.
۴) زمانی که، وقتی که	when, as, while <sup>۱</sup>	جهت یادگیری تفاوتشان با هم به توضیحات صفحه‌ی قبل رجوع کنید.
۵) از وقتی که	since	فعل جمله پایه به زمان کامل یا ندرتاً ماضی بعید است.
۶) هر چه، هر قدر که	as	غالباً در جمله از صفات تفضیلی استفاده می‌شود.

بعد از معنی و مفهوم که مهم‌ترین چیزی است که درباره یک کلمه ربط باید بدانید، نکات گرامری که در توضیحات هر کلمه ربط ذکر شده، باید مورد توجه شما باشد.

۱. while هم می‌تواند به معنی «هنگامی که، زمانی که» باشد که در درس ۵ بررسی می‌شود. البته در تست‌های این فصل یکی دو تا سؤال داده‌ام که در حدود ابتدایی با کاربردش آشنا شوید.

## Test Yourself on Grammar

### پرسش‌های چهارگزینه‌ای گرامر

#### پرسش‌های تالیفی آموزشی

1. It is not at all important ..... you are tall or short.  
 1) since                              2) as                                      3) when                                  4) whether
2. Everyone needs education, whether rich ..... poor.  
 1) or                                      2) as                                      3) when                                  4) since
3. We have to write in English ..... most of them are British or American.  
 1) since                                  2) whether                              3) although                              4) while
4. He came up to me and asked ..... I was enjoying myself.  
 1) as                                      2) whether                              3) when                                  4) since
5. I'm going to invite Jane ..... or not you like it.  
 1) as                                      2) when                                  3) since                                  4) whether
6. .... there was a heavy snowfall yesterday, all the schools are closed today.  
 1) When                                  2) Since                                  3) Whether                              4) So
7. We have worked together ..... we were at university.  
 1) as                                      2) when                                  3) since                                  4) whether
8. He has had problems with his family ever ..... he moved to Tehran.  
 1) as                                      2) since                                  3) while                                  4) whether
9. I listened to her ..... she sang a very famous song.  
 1) that                                    2) which                                  3) as                                      4) whether
10. We had to leave just ..... the conversation was getting interesting.  
 1) because                              2) since                                  3) as                                      4) while
11. .... it was late at night, there were no taxis in the streets.  
 1) While                                  2) Unless                                  3) Whether                              4) As
12. .... it got colder, we put on more clothes.  
 1) As                                      2) When                                  3) Whether                              4) Until
13. .... I see Mr. Roberts, I'll tell him the news.  
 1) When                                  2) Since                                  3) So                                      4) Whether
14. She discovered this ..... she was working on another project.  
 1) when                                  2) since                                  3) because                              4) whether
15. He came to visit me three times ..... I was in hospital.  
 1) or                                      2) whether                              3) while                                  4) unless
16. I found this letter ..... searching for one of my files.  
 1) since                                  2) so                                      3) whether                              4) when
17. I decided to take a taxi to work ..... it was getting late.  
 1) because                              2) while                                  3) until                                  4) whether
18. .... the weather was fine, we decided to sit out in the garden.  
 1) Because of                          2) As                                      3) Whether                              4) For
19. .... he's been studying very hard, I'm sure he'll pass his exams.  
 1) When                                  2) As                                      3) Whether                              4) While
20. It will take at least 2 days for the letter to get there ..... you send it by train or plane.  
 1) which                                  2) whether                              3) since                                  4) as
21. .... we climbed the mountain, we got more and more tired.  
 1) Whether                              2) Until                                  3) As                                      4) When



22. I decided to go home ..... it was getting late.  
 1) until                                      2) during                                      3) whether                                      4) since
23. He had to leave his job ..... ill health.  
 1) as    2) since    3) when    4) because of
24. It makes no difference to me ..... you come to the party or not.  
 1) whether                                      2) as    3) since    4) when
25. I heard the news on the radio ..... I was driving to work.  
 1) because                                      2) as    3) whether    4) since
26. I haven't played football ..... I left school in 1985.  
 1) since    2) as    3) when    4) whether

پرسش‌های تألیفی برای نوادگان Shakespeare

پرسش‌های نوادگان Shakespeare در واقع حاوی نکات ریزتر مبحث درسی است و مخصوص داوطلبان برتر است. 

27. Some employees here are paid twice as much ..... the others.  
 1) when    2) since    3) whether    4) as
28. There was a question as to ..... that behavior was lawful.  
 1) as    2) whether    3) since    4) after
29. Many exam candidates lose marks simply ..... they do not read the questions properly.  
 1) because                                      2) whether    3) although    4) during
30. We'd better leave things ..... they are until the police arrive.  
 1) since    2) when    3) as    4) whether
31. She met Andy ..... she was working on a project in that institute.  
 1) since    2) when    3) while    4) whether
32. I was running across the road ..... I had a terrible accident.  
 1) as    2) when    3) while    4) since
33. .... he arrived home, he picked up the phone and called Tom.  
 1) As    2) Because    3) Since    4) When
34. I worked in a large computer company ..... I was at university.  
 1) during    2) whether    3) when    4) since
35. I feel a terrible pain in my leg ..... I have to run fast.  
 1) because of                                      2) when    3) since    4) whether
36. .... I finished working on my project, I left the office.  
 1) Whether    2) Unless    3) When    4) While

پرسش‌های کنکورهای سراسری و آزاد

37. We have to write the letter in French ..... they don't understand English. (سراسری هنر ۸۵)  
 1) since    2) when    3) whether    4) while
38. Tom will get a good mark in his exam ..... the questions are easy or difficult. (سراسری انسانی ۸۵)  
 1) unless    2) so that    3) whether    4) since
39. Which sentence is grammatically wrong? (آزاد انسانی ۸۵)  
 1) We all waved goodbye to Mary when she drove away in her car.  
 2) Although he has a very important job, he isn't particularly well-paid.  
 3) Some of us had to sit on the floor because there weren't enough chairs.  
 4) Anyone who wants to do the exam must enter before next Friday.
40. I was wondering ..... she'd prefer to come a little later or not. (سراسری تهری ۸۶)  
 1) while    2) since    3) though    4) whether

41. ...., he started saving up for a world trip. (آزاد ریاضی ۸۶ نوبت عصر)  
 1) While he was about 15 years old                      2) Since he was about 15 years old  
 3) Whether he was about 15 years old or not              4) Whereas he was about 15 years old
42. Carlos had lots of free time and read a lot of books and magazines ..... he was in London. (سراسری تهری ۸۷)  
 1) because                      2) while                      3) during                      4) since
43. .... we tell her now or later, she is not going to be pleased. (سراسری انسانی ۸۷)  
 1) As                      2) Since                      3) Whether                      4) When
44. I usually study English at the weekend, ..... I am very busy during the week. (آزاد پزشکی ۸۷)  
 1) when                      2) as                      3) so as                      4) though
45. We can enjoy exercising ..... we are young or old. (سراسری ریاضی ۸۸)  
 1) whether                      2) since                      3) because                      4) even though
46. .... we don't use the car very often, we've decided to sell it. (سراسری تهری ۸۹)  
 1) While                      2) Since                      3) Though                      4) Whether
47. I've offered her the job, but I don't know ..... she'll accept it. (سراسری هنر ۹۰)  
 1) whereas                      2) since                      3) because                      4) whether
48. We were watching TV all evening ..... we had nothing better to do. (سراسری زبان ۹۰)  
 1) as                      2) if                      3) so that                      4) whether
49. I feel a bit sleepy ..... I attend classes in the afternoon. (آزاد ریاضی عصر ۹۰)  
 1) before                      2) whether                      3) when                      4) so
50. He has not seen his old friends ..... he arrived here last week. (سراسری ریاضی ۹۱)  
 1) since                      2) when                      3) so that                      4) so as to
51. You should try to answer all the question ..... they are easy or not. (سراسری ریاضی ۹۳)  
 1) although                      2) while                      3) whether                      4) because

### پاسخ پرسش‌های چهار گزینه‌ای گرامر

پاسخ دادن به سؤالات بحث کلمات ربط فقط با معنی کردن جمله میسر است و البته وجود برخی نشانه‌ها در صورت سؤال به یافتن پاسخ صحیح کمک می‌کند. در پاسخ‌های تشریحی زیر به این نشانه‌ها اشاره شده است.

#### ۱- گزینه‌ی (ع) معنی جمله: چه بلند قد باشی چه کوتاه اصلاً اهمیتی ندارد.

معنی اول کلمه ربط *whether... or* «چه ..... چه .....» یا «خواه ..... خواه» است که نشان می‌دهد نه شرط اول اهمیتی دارد و نه شرط دوم (مثلاً در این سؤال اگر بلند باشی و اگر کوتاه، تفاوتی نمی‌کند).  
**توجه:** وجود *or* پس از جای خالی می‌تواند نشانه *whether* در تست‌ها باشد. البته فراموش نکنیم که پاسخگویی قطعی به سؤالات بحث کلمه ربط فقط براساس معنی جمله میسر است.

#### ۲ - گزینه‌ی (۱) معنی جمله: همه مردم چه ثروتمند چه فقیر به تحصیلات نیاز دارند.

با فرمول *whether - or* روبه‌رو هستیم.

#### ۳ - گزینه‌ی (۱) معنی جمله: ما باید به زبان انگلیسی بنویسیم چون بیش‌تر آن‌ها انگلیسی یا آمریکایی هستند.

حواستان باشد وجود *or* پس از نقطه‌چین نشانه‌ی صددرصد استفاده از *whether* نیست بلکه حتماً باید جمله صورت سؤال را معنی کرد. اگر نیاز به کلمه ربطی داشتیم که معنی «چه ..... چه» یا «آیا» بدهد، پاسخ *whether* است وگرنه باید به سراغ کلمه ربط دیگری رفت! در اینجا نیاز به «چون، زیرا» داریم پس *since* صحیح است.

#### ۴ - گزینه‌ی (۲) معنی جمله: او نزد من آمد و پرسید که آیا به من خوش می‌گذرد.

معنی دوم کلمه ربط *whether* «آیا، که آیا» است که مترادف *if* (آیا؛ نه در معنی اگر) است. در این معنی لزومی ندارد دنبالش *or* بیاید (می‌تواند بیاید می‌تواند نیاید).

تست‌های گرامر درس ۱ پسته به تجربه‌ی ما نیازمند حداقل دو پار حل و بررسی است. حتماً پس از مدتی، دوباره تست‌های این مبحث را حل کنید و تکرار کنید.



**توجه:** غالباً در این حالت قبل از جای خالی فعلی به مفهوم پرسیدن مثل ask می‌آید.

۵- **گزینه‌ی (۴)** با فرمول *whether – or* روبه‌رو هستیم. می‌بینید که *or not* می‌تواند به *whether* بچسبد.

**معنی جمله:** من قصد دارم جین را دعوت کنم چه تو دوست داشته باشی چه نه.

۶- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** چون دیروز برف سنگینی آمد، تمام مدارس امروز بسته‌اند.

معنی اول کلمه ربط *since* «چون، زیرا، از آنجایی که» است که برای بیان علت به کار می‌رود. در این معنی مترادف *as* و *because* است اما از آنها کمی رسمی‌تر است و غالباً ابتدای جمله می‌آید.

۷- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** ما از وقتی در دانشگاه بودیم با هم کار کرده‌ایم.

معنی دوم *since* «از وقتی که» است که نشان می‌دهد عملی از گذشته تا کنون در حال انجام بوده است. فعل جمله پایه در این حالت به زمان ماضی نقلی یا به ندرت ماضی بعید است. در این سؤال هم وجود فعل *have worked* (به زمان ماضی نقلی) نشانه خوبی برای *since* می‌باشد.

۸- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** از وقتی به تهران آمده با خانواده‌اش مشکل داشته است.



*since* در این جا یعنی «از زمانی که». *ever since* عیناً مانند *since* است.

**توجه:** همان‌طور که می‌بینید فعل جمله اصلی به زمان ماضی نقلی (*has had*) است. زمان‌های ماضی نقلی و ماضی بعید در جمله اصلی می‌توانند نشانه *since* به معنی «از زمانی که» باشند.

۹- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** وقتی او آواز بسیار مشهوری می‌خواند، به او گوش می‌دادم.

یک معنی *as* «وقتی که، در زمانی که» است که نشان می‌دهد دو عمل همزمان با هم رخ داده‌اند.

۱۰- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** درست وقتی که گفتگو داشت جالب می‌شد مجبور شدیم محل را ترک کنیم.



با *just as* به معنی «درست وقتی که» روبه‌رو هستیم.

۱۱- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** چون دیروقت شب بود، هیچ تاکسی در خیابان‌ها نبود.

معنی دیگر *as* «چون، زیرا، از آنجایی که» است که مترادف *since* و *because* است و بیشتر ابتدای جمله به کار می‌رود.



**توجه:** گزینه ۲ (*unless*) یعنی «مگر این که».

۱۲- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** هر چه هوا سردتر می‌شد، ما لباس بیشتری می‌پوشیدیم.

معنی سوم *as* «هرچه، به همان نسبت که» است که مفهوم تناسب (*proportion*) را می‌رساند، به عبارت دیگر یعنی دو تغییر به موازات هم و همزمان با هم و به نسبت هم رخ داده‌اند. مثلاً در همین سؤال به همان نسبت که هوا سردتر می‌شد، ما بیشتر لباس به تن می‌کردیم.

**توجه:** همراه *as* در این معنی غالباً صفت تفضیلی به کار می‌رود. مثلاً در همین سؤال صفات تفضیلی *colder* و *more* دیده می‌شود.

۱۳- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** وقتی آقای رابرتز را ببینم، خبر را به او خواهم داد.

کلمه ربط *when* یعنی «وقتی که، زمانی که» که می‌تواند دو عمل را که همزمان با هم یا غیرهمزمان با هم رخ داده‌اند، به هم وصل کند.

۱۴- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** او این را وقتی داشت روی پروژه دیگری کار می‌کرد، کشف کرد.



*when* در این جا یعنی «وقتی که». در این سؤال می‌توانستیم به جای *when* از *as* هم استفاده کنیم. [خودتان دلیلش را بگویید.]

۱۵- **گزینه‌ی (۳)** **معنی جمله:** وقتی در بیمارستان بودم او سه بار به دیدنم آمد.



هدف از این سؤال فقط این بود که ببینید *while* هم می‌تواند به معنی «وقتی که» باشد. معمولاً *while* بر سر فعل‌های استمراری می‌آید. جزییات را در درس ۵ خواهیم خواند!

۱۶- **گزینه‌ی (۴)** **معنی جمله:** وقتی دنبال یکی از پوشه‌هایم می‌گشتم این نامه را پیدا کردم.



اگر پس از *when* یا *while* (در معنی وقتی که) فاعل و یک فعل *to be* آمده باشد، گاهی می‌توان فاعل و آن فعل *to be* را حذف کرد.

I found this letter **when I was searching** for one of my files.

در واقع جمله صورت سؤال این‌گونه بوده است:

۱۷- **گزینه‌ی (۱)** **معنی جمله:** تصمیم گرفتم با تاکسی سر کار بروم زیرا داشت دیرم می‌شد.

۱۸- **گزینه‌ی (۲)** **معنی جمله:** چون هوا خوب بود، تصمیم گرفتیم در هوای آزاد باغ بنشینیم.



توجه کنید پس از *because of* اسم یا فعل با *-ing* می‌آید و نه یک جمله.

**توجه:** کلمه ربط *for* (به معنی زیرا) نیز از کلمات ربط بیان علت است اما فقط بین دو جمله مربوط می‌آید؛ مثال:

I couldn't ask him the question, **for** he was really hard to talk to.

نمی‌توانستم سؤال را از او بپرسم زیرا صحبت با او دشوار بود.

پرای حل پرسش‌های کنکور گرامر، به ازای هر سؤال ۳۰ ثانیه به خود وقت دهید.



- ۱۹- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** چون او خیلی سخت درس خوانده است، مطمئنم که در امتحاناتش قبول خواهد شد.  
 ۲۰- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** حداقل ۲ روز طول می‌کشد که نامه به آنجا برسد چه آن را با قطار بفرستی چه با هواپیما.  
 ۲۱- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** هرچه از کوه بالاتر می‌رفتیم، خسته‌تر می‌شدیم.

⚠ **توجه:** همراه as در معنی «هرچه»، غالباً صفات تفضیلی به کار می‌رود.

- ۲۲- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** چون داشت دیر می‌شد تصمیم گرفتیم به سمت خانه راه بیفتیم.

⚠ **توجه:** درباره گزینه ۲ (during) توجه کنید که پس از آن اسم می‌آید و نه جمله:

در طی تعطیلات آخر هفته

- ۲۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** او مجبور شد به خاطر بیماری شغلش را رها کند.

💡 پس از because of اسم یا فعل با -ing می‌آید و نه یک جمله.

- ۲۴- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** فرقی برای من نمی‌کند چه تو به مهمانی بیایی چه نیایی.

- ۲۵- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** وقتی داشتم با ماشین سر کار می‌رفتم خبر را در رادیو شنیدم.

- ۲۶- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** از وقتی که مدرسه را در ۱۹۸۵ ترک کردم، فوتبال بازی نکرده‌ام.

💡 به زمان ماضی نقلی در جمله توجه کنید.

- ۲۷- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** برخی کارمندان اینجا دو برابر دیگران حقوق می‌گیرند.

💡 فرمول (as...as) مورد نظر است.

- ۲۸- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** سؤالی مطرح بود که آیا آن رفتار قانونی است.

- ۲۹- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** بسیاری از داوطلبان آزمون نمره از دست می‌دهند صرفاً به این دلیل که سؤالات را درست نمی‌خوانند.

- ۳۰- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** بهتر است همه چیز را همان‌طور که هست باقی بگذاریم تا پلیس از راه برسد.

- ۳۱- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** او اندی را وقتی که روی پروژه‌ای در آن مؤسسه کار می‌کرد ملاقات کرد.

💡 گزینه‌های ۲ و ۳ هر دو به معنی «وقتی که» هستند اما بر سر فعل استمراری کاربرد as و while نسبت به when ارجح است.

- ۳۲- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** وقتی که داشتم در عرض جاده می‌دویدم، تصادف وحشتناکی کردم.

💡 گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به معنی «وقتی که» هستند اما هرگاه یک فعل ساده و یک فعل استمراری داریم، بر سر فعل استمراری ترجیحاً از as و while و بر سر فعل ساده از when استفاده می‌کنیم.

- ۳۳- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** وقتی به خانه رسیدم، تلفن را برداشتم و به تام تلفن زد.

💡 چون دو عمل موجود در صورت سؤال غیر همزمان انجام شده‌اند (یعنی اول فرد به خانه رسیده و بعد از آن تلفن زده است) از when استفاده می‌کنیم (نه as).

- ۳۴- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** وقتی به دانشگاه می‌رفتم در یک شرکت کامپیوتری بزرگ کار می‌کردم.

💡 اولاً، به کلمه ربطی به معنی «زمانی که» نیاز داریم. ← when یا as

ثانیاً، یک دوره زمانی در گذشته مورد نظر است پس when صحیح است.

- ۳۵- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** هر وقت که باید تند بدوم، درد وحشتناکی در پایم احساس می‌کنم.

💡 when در اینجا یعنی «هر وقت که».

- ۳۶- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** وقتی کارم را روی پروژه‌ام تمام کردم، دفتر را ترک نمودم.

💡 اولاً، به کلمه ربطی به معنی «زمانی که» نیاز داریم. ← when یا as

ثانیاً، با دو عمل غیر همزمان روبه‌رو هستیم. پس when صحیح است.

- ۳۷- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** ما باید نامه را به زبان فرانسه بنویسیم چون آن‌ها زبان انگلیسی نمی‌فهمند.

- ۳۸- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** تام در امتحانش نمره خوبی می‌گیرد چه سؤالات سخت باشد چه آسان.

- ۳۹- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** چون دو عمل همزمان به‌طور موازی با هم در حال انجام بوده‌اند کاربرد as صحیح‌تر از when است.

💡 موضوع گرامری گزینه‌های ۲ و ۴ مربوط به درس‌های آینده است. پس فعلاً از آن‌ها رد شوید!

- ۴۰- گزینه‌ی (۴) **معنی جمله:** از خود می‌پرسیدم که آیا او ترجیح می‌دهد کمی دیرتر بیاید یا نه.

۴۱- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** «وقتی حدوداً پانزده سال داشت، شروع کرد به پس‌انداز کردن پول برای رفتن به سفر دور دنیا» می‌بینید که استفاده از while از بقیه‌ی موارد صحیح‌تر است. کاربرد since (گزینه دوم) به دلیل عدم وجود زمان حال کامل درست نیست.

- ۴۲- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** کارلوس وقتی که در لندن بود، وقت آزاد زیادی داشت و تعداد زیادی کتاب خواند.

💡 توجه کنید که بعد از during (گزینه‌ی سوم) یک اسم می‌آید و نه یک جمله کامل.

- ۴۳- گزینه‌ی (۳) **معنی جمله:** چه این موضوع را الان به او بگوییم چه بعداً، از شنیدن آن خوشحال نخواهد شد.

- ۴۴- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** من معمولاً آخر هفته‌ها انگلیسی می‌خوانم، چون در طول هفته سرم خیلی شلوغ است.

- ۴۵- گزینه‌ی (۱) **معنی جمله:** ما چه پیر باشیم چه جوان، می‌توانیم از ورزش کردن لذت ببریم.

- ۴۶- گزینه‌ی (۲) **معنی جمله:** چون ما خیلی از ماشین استفاده نمی‌کنیم، تصمیم گرفته‌ایم آن را بفروشیم.

▶ during the weekend

- ۴۷- گزینه‌ی (۴) معنی جمله: من به او شغلی را پیشنهاد دادم اما نمی‌دانم که آیا آن را می‌پذیرد یا نه.
- ۴۸- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: ما همه‌ی غروب را تلویزیون نگاه می‌کردیم چون کار بهتری برای انجام دادن نداشتیم.
- ۴۹- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: هر وقت که بعدازظهرها کلاس می‌روم، کمی خوابم می‌گیرد.
- ۵۰- گزینه‌ی (۱) معنی جمله: او از وقتی که هفته‌ی پیش به این‌جا رسید، دوستان قدیمی‌اش را ندیده است.
- ۵۱- گزینه‌ی (۳) معنی جمله: چه سوالات آسان باشد چه سخت، باید سعی کنی به همه پاسخ دهی.

*Laugh, and the world laughs with you,  
Weep, and you weep alone,  
For the brave old earth must borrow its mirth,  
But has trouble enough of its own.*

*Ella Wilcox*

بخند و بنگر که جهان با تو می‌خندد،  
بنال و ببین که در تنهایی اشک می‌ریزی،  
زیرا این جهان پیر رعنا شادی‌های خود را وام می‌گیرد،  
اما از غصه و رنج چندان که خواهی در خزانه دارد.



# PART B VOCABULARY

## آموزش واژگان Vocabulary Organizer

⚠ سال‌هاست که آموزش لغت به شیوه سنتی یعنی به صورت ارائه واژگان در قالب لیست‌های بلند بالا در کنار معنی فارسی آن‌ها به عنوان شیوه‌ای ناکارآمد شناخته شده است. دیگر نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که لغات را در قالب لیست‌هایی (که یا براساس حروف الفبا و یا سطر به سطر کتب درسی تهیه شده) و جلوی هر واژه معنی فارسی‌اش آمده است، به خوبی بیاموزند و به درستی به کار برند. امروزه روش نوین آموزش لغت بر پایه‌ی **دسته‌بندی موضوعی و هدفمند واژگان، ارائه لغات در قالب مثال‌های نوعی و رایج، اشاره به ترکیب‌های رایج هر واژه و نیز توجه به کلمات هم‌خانواده، مترادف‌ها و متضادها** است. ما نیز در این بخش لغات هر درس را در گروه‌های ۲۰ تا ۳۰ تایی که به روشی منطقی و اصولی طبقه‌بندی شده‌اند ارائه می‌دهیم. مثلاً لغات درس ۱ را باید در ۴ جلسه مطالعاتی جدا از هم مطالعه فرمایید. پس از انجام تمام جلسات مطالعاتی و یادگیری کلیه لغات آن درس، وقت حل پرسش‌های چهارگزینه‌ای است که در ادامه آمده است.

### SESSION 1

### جلسه مطالعاتی اول

- 1. exercise (n), (v)** ورزش (کردن)، تمرین (کردن)  
do / take / get some exercise کمی ورزش کردن  
vocabulary exercises تمرین‌های واژگان
- 2. aerobic (adj)** هوازی، نیازمند به اکسیژن  
aerobics (n) ورزش‌های هوازی  
aerobic exercises / classes ورزش‌های / کلاس‌های (ورزش‌های) هوازی
- 3. bend (n), (v)** خم شدن (کردن)، پیچیدن (خیابان)، پیچ  
Please bend your knees. لطفاً زانوهایتان را خم کنید.  
bend forward / over به جلو خم شدن  
bend backward به عقب خم شدن  
There is a dangerous bend in this road. پیچ خطرناکی در این جاده است.
- 4. fat (n)** چربی، روغن  
fatty (adj) چرب  
I don't like meat with too much fat on it. گوشتی را که خیلی چربی رویش باشد، دوست ندارم.  
fatty food غذای چرب  
البته حتماً یادتان هست که صفت fat یعنی «چاق».
- 5. fit (adj)** متناسب، مناسب، شایسته  
syn: in shape; suitable این غذا برای خوردن مناسب نیست.  
The food is not fit to eat. حفظ کردن تناسب اندام  
keep / stay fit
- fit (v)** ۱) اندازه بودن ۲) آماده کردن  
Education fits you for life. تحصیلات شما را برای زندگی آماده می‌کند.

- 6. flexible (adj)** قابل انعطاف، انعطاف‌پذیر، قابل تغییر  
You can't bend this. It's not flexible. تو نمی‌توانی این را خم کنی. انعطاف‌پذیر نیست.  
flexible management مدیریت انعطاف‌پذیر
- 7. gym (n)** سالن ورزش، باشگاه ورزشی
- 8. injury (n)** جراحت، صدمه  
syn: physical harm مصدوم کردن، مجروح کردن  
injure (v)  
syn: hurt جراحات شدید  
serious injuries  
He fell off the ladder but was not injured. او از نردبان افتاد ولی مجروح نشد.

⚠ **توجه:** اسم damage به معنی «خسارت، آسیب» برای غیر جاندار یا بخشی از بدن جاندار به کار می‌رود. در حالی که injury برای انسان و حیوان مطرح است.

- 9. join (v)** ملحق شدن به، پیوستن به، وصل کردن  
This is the point where the two rivers join. این جایی است که دو رودخانه به هم ملحق می‌شوند.  
join a club عضو باشگاهی شدن  
This bridge joins these two cities. این پل این دو شهر را به هم متصل می‌کند.
- 10. joint (n)** مفصل، بند  
The place where two bones meet is called a joint. جایی که دو استخوان به هم می‌رسند، مفصل نام دارد.

سعی شده در جلسات مطالعاتی ابتدایی لغات مهم‌تر درس پیاید. 



- 11. lift (v)** بلند کردن، برداشتن  
syn: pick up  
He *lifted* the child up into his arms. او بچه را به آغوش کشید.  
⚠️ اطلاعات عمومی: بد نیست بدانید که اسم lift می‌تواند به معنی «آسانسور» باشد.
- 12. stretch (n), (v)** کشیدن، کش آمدن، امتداد یافتن، دراز کردن (دست، پا و...)، کشش  
He *stretched* his legs to rest. او پاهایش را دراز کرد تا استراحت کند.
- 13. shape (n)** (1) شکل (۲) وضعیت  
a cake in the *shape* of a heart کیکی به شکل قلب  
Regular exercise will keep your body *in shape*. ورزش منظم بدن شما را روی فرم و متناسب نگه می‌دارد.  
⚠️ توجه: اصطلاح in shape مترادف fit (متناسب، روی فرم) است.  
My car is in terrible *shape* and can't be repaired. ماشینم در وضع بسیار بدی قرار دارد و قابل تعمیر نیست.
- 14. blood (n)** خون
- 15. bone (n)** استخوان  
bony (adj) استخوانی  
a *bony* fish یک ماهی پر استخوان (پر تیغ)
- 16. brain (n)** مغز  
I can't keep telephone numbers in my *brain*. نمی‌توانم شماره تلفن‌ها را در مغزم نگه دارم.

- 17. cell (n)** سلول (1) سلول (۲) تلفن موبایل  
blood cells سلول‌های (گلبول‌های) خونی  
Keep your *cells* off. موبایل‌هایتان را خاموش کنید.
- 18. chest (n)** قفسه سینه  
chest pain درد قفسه سینه
- 19. digest (n), (v)** (1) خلاصه (۲) هضم کردن  
syn: summary خلاصه  
*endorphin* اندورفین، هورمون شادی‌بخش
- 20. endorphin (n)** قلب
- 21. heart (n)** حمله قلبی  
heart attack شش، ریه
- 22. lung (n)** عضو، اندام
- 23. organ (n)** پیوند عضو  
organ transplant پوست
- 24. skin (n)** پوست موز
- 25. skull (n)** جمجمه  
the bones of the *skull* استخوان‌های جمجمه
- 26. toe (n)** انگشت پا  
from top to *toe* از سر تا پا
- 27. vessel (n)** رگ  
blood vessels رگ‌های خونی

## SESSION 2

## جلسه مطالعاتی دوم

- 28. bother (n), (v)** مزاحم شدن، به زحمت انداختن، زحمت، دردسر  
syn: trouble  
Don't *bother* your father now. He's very tired. الان مزاحم پدرت نشو. او خیلی خسته است.  
'I'm sorry.' 'Don't *bother*.'  
«متأسفم.» / «مهم نیست (خودت را اذیت نکن).»
- 29. adapt (v)** (1) سازگار کردن، وفق دادن (۲) اقتباس کردن  
این لغت را در پانویشت صفحه‌ی اول متن درس پیدا می‌کنید! (که البته در آن‌جا یعنی اقتباس کردن)؛ مثال:  
adapt to sth با چیزی سازگار شدن  
adapted from برگرفته شده از، اقتباس شده از
- 30. compare (v)** مقایسه کردن، تشبیه کردن  
comparison (n) مقایسه، تشبیه  
compare A and/to/with B A را با B مقایسه کردن
- 31. create (v)** خلق کردن، ایجاد کردن  
creator (n) خالق، creative (adj) خلاق  
creation (n) مخلوق، creature (n) مخلوق  
create noise / problems / a piece of art سر و صدا ایجاد کردن / مشکل ایجاد کردن / قطعه هنری خلق کردن
- 32. define (v)** معنی کردن، تعریف کردن، توصیف و مشخص کردن  
definition (n) معنی (لغت)، توضیح  
The powers of the manager are *defined* by the members. توانایی‌های مدیر توسط اعضا مشخص می‌شود.  
definition of new words معنی لغات جدید

- 33. express (v)** بیان کردن، ابراز کردن، نشان دادن  
Words can't *express* how happy I am. کلمات نمی‌توانند میزان شادمانی مرا نشان دهند.  
express oneself منظور خود را رساندن  
express thanks / hopes اظهار تشکر / امیدواری کردن
- 34. focus (n), (v)** تمرکز کردن، متمرکز کردن، کانون، مرکز  
This book *focuses* on three main problems. این کتاب روی سه مشکل اساسی تمرکز می‌کند.  
Mary was the *focus* (= center) of attention at the meeting. ماری در جلسه در کانون توجهات بود.  
The image is *in/out of focus*. این تصویر داخل / بیرون کانون است (فوکوس شده / نشده است).
- 35. increase (n), (v)** افزایش دادن (یاقتن)، افزایش  
ant: decrease  
The driver *increased* speed. راننده سرعتش را زیاد کرد.  
Regular exercises *increase* your chances of living longer. ورزش منظم شانس شما را برای عمر طولانی‌تر افزایش می‌دهد.
- 36. protect (v)** حفاظت و حمایت کردن  
protection (n) محافظت  
protective (adj) حفاظتی، محافظ  
Parents try to *protect* their children from danger. والدین سعی می‌کنند فرزندانشان را از خطر محافظت کنند.  
⚠️ توجه: به فرمول protect دقت شود:  
protect sb/sth from sb/sth چیزی در برابر کسی/چیزی against

